



مطالعه مقایسه‌ای آرای معطوف به سیاست خارجی توسعه‌گرا*

سیدامیرسینا نورانی^{***} - دکتر سیداصغر کیوان‌حسینی^{****}
دکتر مهدی ذاکریان‌امیری^{****}



This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

چالشی اساسی در سیاست خارجی، تبدیل دیپلماسی به ابزاری برای تحقق اهداف توسعه اقتصادی است. لذا این مسئله مطرح می‌شود که چه رابطه‌ای میان الگوهای توسعه اقتصادی و جهت‌گیری سیاست خارجی به‌عنوان سیاست خارجی توسعه‌گرا است و آیا مجموعه‌ای از راهبردهای ثابت برای این نوع سیاست خارجی وجود دارد یا این راهبردها بسته به شرایط و ویژگی‌های هر کشور متفاوتند. بر این اساس سوال اصلی پژوهش این است که در چارچوب آراء معطوف به سیاست خارجی توسعه‌گرا، کدام معیارهای راهبردی مشترک قابل شناسایی است؟ فرضیه این است که در چارچوب نظریه‌های مربوط به سیاست خارجی توسعه‌گرا، دو معیار راهبردی «هماهنگی نهادی» و «تعامل دولت با بخش خصوصی» به فصل مشترک آراء مزبور تبدیل شده و در کنار آن‌ها «دیپلماسی اقتصادی فعال و بسیج منابع»، «وجود نهاد هدایتگر و تمرکز بر ساختارهای متمرکز تصمیم‌گیری» و «شناخت دقیق از خود و تعریف منافع ملی» دارای بیشترین تکرار هستند و به این دلیل از اهمیت بالایی برخوردارند. در این تحقیق، با استفاده از روش کیفی-تفسیری و تکنیک تحلیل محتوی کمی، به توصیف و تفسیر شاخص‌های کلیدی الگوها و راهبردهای سیاست خارجی پرداخته شده‌است که منجر به توسعه اقتصادی می‌شوند. هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل راهبردهای مشترک و منحصر به فرد در سیاست خارجی توسعه‌گرا و ارزیابی آن‌ها است که می‌تواند بر توسعه اقتصادی یک کشور تأثیر بسزایی داشته باشند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که در کنار راهبردهای مشترک، راهبردهایی مانند «حکمرانی مالی»، «دیپلماسی عمومی» و «انعطاف‌پذیری و

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری امیرسینا نورانی با راهنمایی دکتر سیداصغر کیوان‌حسینی است.

** گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** نویسنده مسئول، استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

ایران / ایمیل: keivanhosseiny@atu.ac.ir

**** دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

تمرکززدایی» با تقویت خودکفایی، قدرت نرم و سازگاری با شرایط جهانی، مکمل راهبردهای مشترک‌اند و توسعه پایدار را تسریع می‌کنند.

کلیدواژگان

اقتصاد سیاسی بین‌الملل، سیاست خارجی توسعه‌گرا، توسعه اقتصادی، دولت توسعه‌گرا، هماهنگی نهادی.

مقدمه

حرکت به سوی یک اقتصاد پویا و توسعه‌محور یکی از اهداف کلیدی دولت‌های مدرن در دنیای امروز است. «یک خط فکری قوی وجود دارد که درک می‌کند که کشورهای نیمه پیرامونی - یا در حال توسعه / در حال ظهور- برای غلبه بر شکافی که آنها را از مرکز- یا کشورهای توسعه یافته جدا می‌کند- نیاز عمیقی به یک کشور قوی دارند» (Spohr & Da Silva, 2017: 159). در این راستا، نقش دولت به‌عنوان یک عامل کلیدی در طراحی و اجرای راهبردهای اقتصادی به منظور دستیابی به توسعه پایدار بسیار برجسته است. دولت باید توانمندی‌های لازم را برای مواجهه با چالش‌های داخلی و خارجی داشته باشد و در عین حال در فرآیند توسعه اقتصادی، به تقویت نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پردازد. این امر مستلزم آن است که دولت‌ها به‌طور مؤثر با نهادهای مختلف در تعامل باشند تا بتوانند به سمت توسعه اقتصادی حرکت کنند. البته منظور از دولت قوی یک دولت حداکثری نیست بلکه کشوری است قدرتمند و برخوردار از توانمندی کافی در مواجهه با چالش‌های داخلی و خارجی کشور به منظور توسعه اقتصادی. به‌طور کلی، رفاه اقتصادی، امنیت ملی، یکپارچگی سرزمینی و استقلال از اهداف اساسی هر دولت به‌شمار می‌روند که در راستای این اهداف، دولتی توانمند و مقتدر ضروری است (هالستی، ۱۳۹۴: ۲۱۹)؛ (Holsti: 2016: 219).

در این راستا و در جهت دستیابی به اقتصاد پویا در دولت مدرن، نقش سیاست خارجی فعال و توسعه‌گرا اجتناب‌ناپذیر است. در چارچوب ادبیات معطوف به سیاست خارجی دولت‌ها و چگونگی ارتباط‌یابی الگوی سیاست‌گذاری مربوطه با عوامل داخلی، به چارچوب‌های مفهومی و نظری متعددی اشاره شده است. در این میان، تأمل اندیشمندان بر تأثیرگذاری مؤلفه‌های اقتصادی بر روند پیشبرد و تحقق اهداف سیاست خارجی و ترسیم الگوی نقش‌آفرینی دولت مفروض در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، قابل توجه است. بنابراین مسئله پژوهش این است که چه رابطه‌ای میان الگوهای توسعه اقتصادی و جهت‌گیری سیاست خارجی بعنوان سیاست خارجی توسعه‌گرا وجود دارد و آیا راهبردهای ثابت و مشخصی برای سیاست خارجی توسعه‌گرا وجود دارد یا خیر. بر این اساس سوال اصلی این پژوهش این است که در چارچوب آراء معطوف به سیاست خارجی توسعه‌گرا، کدام معیارهای راهبردی مشترکی قابل شناسایی است؟ فرضیه اصلی: در چارچوب نظریه‌های مربوط به سیاست خارجی توسعه‌گرا، دو معیار راهبردی «هماهنگی نهادی» و «تعامل دولت با بخش خصوصی» به فصل مشترک آراء مزبور تبدیل شده است و در کنار آن‌ها «دیپلماسی

اقتصادی فعال و بسیج منابع»، «وجود نهاد هدایتگر و تمرکز بر ساختارهای متمرکز تصمیم‌گیری» و «شناخت دقیق از خود و تعریف منافع ملی» دارای بیشترین تکرار هستند و به این دلیل از اهمیت بالایی برخوردارند.

در نتیجه این پژوهش قصد دارد با روش کیفی-تفسیری و تحلیل محتوی کمی، الگوها و راهبردهای کلیدی سیاست خارجی که منجر به توسعه اقتصادی می‌شود را توصیف، تفسیر و واکاوی نماید. پیش از ورود به بحث اصلی لازم است تا مختصر توضیحی درباره تحلیل محتوا ارائه دهیم. «تحلیل محتوی به تکنیک‌هایی اشاره دارد که مفسر برای استنباط و شناسایی محتوی یک متن و یا پیام به کار می‌گیرد؛ هدف مفسر از تحلیل محتوا توصیف و تفسیر یک متن/پیام با استراتژی استفهامی است که تحلیل محتوی کمی دارای سه مرحله توصیف، تفسیر و احتمالاً قرائت متن است و مفسر در مرحله توصیف، به معناشناسی آماری متن می‌پردازد و مهم‌ترین مفاهیم و یا برخی از مفاهیمی که قرار است مورد تفسیر قرار گیرد را به صورت کمی و عددی نشان می‌دهد» (موسوی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۴۰-۱۳۴)؛ (Mousavinia, 2017: 134-140).

۱- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین درباره سیاست خارجی توسعه‌گرا از زوایای مختلفی به نقش دولت و دیپلماسی در توسعه پرداخته‌اند. با توجه به اینکه محور این مقاله تحلیل نظری و تطبیقی راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گراست، این بخش به صورت مختصر طراحی شده و فقط سه اثر را مورد بررسی قرار می‌دهد تا از اطناب غیرضروری اجتناب شود. در متن اصلی، با بررسی جامع دیدگاه‌های نظری اندیشمندان متعدد، به تکمیل و تعمیق این مطالعات پرداخته‌ایم و شکاف‌های موجود را با شناسایی معیارهای راهبردی مشترک رفع کرده‌ایم.

لندسبرگ (۲۰۰۵) بعنوان یکی از پیشگامان حوزه سیاست خارجی توسعه‌گرا، در مقاله «به سوی یک سیاست خارجی توسعه‌گرا؟ چالش‌های دیپلماسی آفریقای جنوبی در دهه دوم آزادی»^۱ سیاست خارجی توسعه‌گرا را رویکردی اصلاح‌طلبانه تعریف می‌کند که توسعه را در کانون دیپلماسی قرار داده و بر مشارکت جنوب-جنوب، کاهش نابرابری، و حمایت از فقرا تأکید دارد. او با مطالعه موردی آفریقای جنوبی، تعادل میان اصول‌گرایی و عمل‌گرایی را ضروری می‌داند. با این حال، این پژوهش از فقدان چارچوبی ساخت‌یافته برای شناسایی معیارهای راهبردی مشترک رنج می‌برد و تحلیلش به یک زمینه جغرافیایی خاص محدود است که توانایی تعمیم‌پذیری آن را کاهش می‌دهد. پژوهش حاضر با ارائه چارچوبی تطبیقی و معیارهای مشخص، این کاستی را برطرف می‌کند.

تونامی (۲۰۱۸) در «صدور دولت توسعه‌گرا: دیپلماسی اقتصادی ژاپن در شمالگان»^۲ سیاست خارجی ژاپن را به عنوان ابزاری برای تأمین امنیت اقتصادی از طریق دیپلماسی علمی-فناوری بررسی

¹. Toward a Developmental Foreign Policy?: Challenges for South Africa's Diplomacy in the second decade of Liberation

². Exporting the developmental state: Japan's economic diplomacy in the Arctic

می‌کند. او نشان می‌دهد که همکاری منسجم دولت و بخش خصوصی چگونه مدل توسعه‌گرای ژاپن را به‌عنوان الگویی صادراتی به منطقه شمالگان گسترش داده‌است. با وجود ارائه بینش‌هایی ارزشمند درباره پیوند دیپلماسی و توسعه، این مطالعه به دلیل تمرکز بر یک مورد خاص، فاقد تعمیم‌پذیری نظری است و از تحلیل عمیق‌تر اصول راهبردی سیاست خارجی توسعه‌گرا در سطح جهانی غفلت می‌ورزد. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی فراگیرتر و تحلیل نظری گسترده‌تر، این محدودیت را جبران می‌کند.

دال و همکاران (۲۰۲۱) در «ارزیابی پیوند توسعه-سیاست خارجی قدرت‌های نوظهور آسیایی»^۱ چارچوبی چندلایه (اقتصادی، دیپلماتیک، امنیتی، جامعه‌مدنی و دولت-بازار) برای سنجش رابطه توسعه و سیاست خارجی در چهار کشور آسیایی (کره، چین، ژاپن، اندونزی) ارائه می‌دهند. این مطالعه با استفاده از شاخص دی‌اف‌ان، انسجام میان سیاست خارجی و توسعه را در سه دوره زمانی تحلیل می‌کند. هرچند این رویکرد به دلیل نوآوری روش شناختی قابل تحسین است اما وابستگی بیش از حد به داده‌های کمی، آن را از کاوش عمیق در مبانی نظری و پیچیدگی‌های کیفی راهبردهای توسعه‌گرا بازمی‌دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل نظری و تفسیر کیفی راهبردها در کنار تفسیر کمی، این شکاف را پر می‌کند.

۲- چارچوب مفهومی؛ سیاست خارجی توسعه‌گرا

سیاست خارجی توسعه‌گرا به‌عنوان رویکردی که دیپلماسی را در خدمت توسعه اقتصادی قرار می‌دهد، نیازمند چارچوبی مفهومی است که نه تنها ماهیت آن را تبیین کند، بلکه معیارهای راهبردی مشترک برای تحقق اهداف توسعه را مشخص سازد. این بخش با تعریف دولت توسعه‌گرا و سیاست خارجی توسعه‌گرا، مبنای نظری برای تحلیل تطبیقی راهبردهای مشترک فراهم می‌کند که در ادامه به‌عنوان محورهای اصلی پژوهش بررسی می‌شوند.

۲-۱- دولت توسعه‌گرا

دولت‌های توسعه‌گرا بر توسعه اقتصادی تمرکز دارند و از ابزارهای مختلف سیاست‌گذاری برای تسهیل رشد اقتصادی سریع، صنعتی‌سازی و رقابت‌پذیری بین‌المللی استفاده می‌کنند. ساده‌ترین تعریف دولت توسعه‌گرا این است که «توسعه اقتصادی را سرلوحه سیاست‌های دولت قرار می‌دهد و قادر است ابزارهای مؤثری برای پیشبرد چنین هدفی طراحی کند» (Bagchi, 2000: 398)؛ چارنون‌ونگسک^۲ نیز با تعریفی تقریباً مشابه، دولت توسعه‌گرا را کشوری تعریف می‌کند که «با اجرای سیاست‌ها و مداخلات دولتی، به دنبال دستیابی به رشد اقتصادی سریع و تغییر ساختاری است. این تعریف بر نقش فعال دولت در هدایت توسعه اقتصادی تأکید دارد.» (European

University Institute & Chareonwongsak, 2021: 5)

¹. Assessing the Development-Foreign Policy nexus of the Asian rising powers: South Korea, China, Japan and Indonesia

². Development-Foreign Policy Nexus

³. Chareonwongsak

چالمرز جانسون^۱ دولت توسعه‌گرا را دولتی می‌داند که... تلاش دارد توسعه اقتصادی را در جهتی خاص هدایت و سرعت تحقق آن را تعیین کند؛ فیوری و رونزانی^۲ ویژگی‌هایی برای دولت توسعه‌گرا مطرح می‌کنند: دولتی قوی و تکنوکراتیک متعهد به رشد سریع و توسعه‌گرایی؛ برخوردار از خودمختاری دولتی، اما در اتحاد با سرمایه داخلی؛ مهار نیروی کار؛ و یک مدل رشد صادراتی قوی برای اقتصاد... (Landsberg & Georghiou, 2015: 481-483). بر این اساس، اولویت یک دولت توسعه‌گرا شامل... توسعه اقتصادی، صنعتی‌سازی و مشروعیت از طریق توسعه... است. (Karagouz, 2020: 851)

پیتر ایوانز^۳ می‌گوید «دولت توسعه‌گرا با برنامه‌ریزی عقلایی است که باید با ایجاد نهادهای دولتی جدید، روابط بین بازیگران سنتی و غیرمتعارف در اقتصاد برقرار کند؛ دولت توسعه‌گرا باید نوآورانه عمل کرده و از فرصت‌های جدید برای تجارت استفاده کند، همچنین سرمایه انسانی باید به نحو مؤثری برای دستیابی به رشد استفاده شود» (Evans, 2008: 16-17). لندسبرگ نیز باور دارد... دولت توسعه‌گرا نباید حداقلی باشد، بلکه باید توانمندساز، تسهیل‌گر و مداخله‌کننده باشد تا توسعه، برابری و بهبود کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا دهد. در این دولت، توسعه در اولویت قرار دارد و توانایی تأمین منابع لازم برای هدایت بخش خصوصی را داراست... (Landsberg, 2005: 726-729). نهایتاً ها-جون چانگ^۴ سه ویژگی اصلی برای دولت توسعه‌گرا برمی‌شمارد: «نخبگان سیاسی توسعه‌گرا، نظام بروکراتیک مستقل و قدرتمند و استقلال‌ریشه‌دار از طریق ارتباط سازمان‌یافته با بخش خصوصی و تأمین منافع همگانی» (چانگ، ۱۳۹۲: ۱۱-۲۵)؛ (Chang, 2013: 11-25).

چنگ و لیو^۵ نیز در بررسی خود نشان می‌دهند که دولت نقش محوری در هدایت شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خارجی دارد، که یک ویژگی کلاسیک دولت توسعه‌گراست. اینجا دولت نه تنها اقتصاد داخلی را مدیریت می‌کند، بلکه از آن به عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ خارجی استفاده می‌نماید. (Cheng & Liu, 2021: 4)

۲-۲- تعریف و جایگاه سیاست خارجی توسعه‌گرا در ادبیات رایج روابط بین‌الملل

در اکثر کتب مربوط به اقتصاد سیاسی بین‌الملل یا سیاست خارجی، هنگامی که از توسعه سخن گفته می‌شود، الگوها و سیاست‌های رایج اقتصادی توسعه مانند همگرایی تجاری لیبرال، وابستگی متقابل، جایگزینی واردات، رشد مبتنی بر صادرات و... بررسی می‌شوند و ندرتاً نقش و جایگاه سیاست خارجی و راهبردهایی که این نهاد می‌تواند در اجرای توسعه ایفا کند، پرداخته می‌شود. این در حالی است که... سیاست خارجی کشورها به گونه‌ای شکل می‌گیرد که امنیت، خودمختاری و

¹ Chalmers Johnson

² Fiori and Ronza

³ Peter Evans

⁴ Ha-Joon Chang

⁵ Cheng & Liu

رفاه شهروندان را به حداکثر برساند و در این راستا، کشورها باید با دنیای خارج ارتباط برقرار کرده، سرمایه‌گذاری نموده و به بازارهای خارجی و منابع کمیاب دست یابند؛ اما یک دولت بدون استقلال و خودمختاری اقتصادی، احتمالاً به بازیگری مهم در نظام بین‌الملل تبدیل نخواهد شد... (هالستی، ۱۳۹۴: ۲۱۹-۲۲۲)؛ (Holsti: 2016: 219-222).

بسیاری از متخصصان حوزه روابط بین‌الملل بر این باورند که سیاست، در اصل امری جهانی است و نمی‌توان سیاست داخلی و خارجی را از یکدیگر جدا کرد. ... آنچه در حوزه بین‌المللی یا منطقه‌ای رخ می‌دهد بر سیاست ملی تأثیر می‌گذارد و بالعکس؛ این امر به ویژه در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل مشهود است که مرز میان اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل از بین رفته است... (لفتویچ، ۱۳۹۷: ۳۰۵)؛ (Leftvich, 2018:305). کاراگوز نیز تأکید می‌کند که ... یک دولت توسعه‌گرا باید ساختارهای قوی و هماهنگ در سیاست داخلی و خارجی داشته باشد و سیاست خارجی توسعه‌گرا در دولت‌های توسعه‌گرا، باید توسعه اقتصادی را از طریق دیپلماسی اقتصادی، تجارت، و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در اولویت قرار بدهد... (Karagouz, 2020: 858). همچنین باید توجه داشت که «توسعه اقتصادی و ابزارهای سیاست خارجی در اصل دولت و رهبران آن را به شرکای مطلوب و کمیاب برای امنیت، تجارت و سرمایه‌گذاری تبدیل کرده و آن‌ها را به بازیگران ارزشمندتری، حتی برای دشمنان سابق، تبدیل می‌کند و توسعه اقتصادی، تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه‌ای بازگشتی و متقابل دارند که یکدیگر را ارتقا می‌دهند و منجر به رشد بیشتر می‌شوند» (Heo, 2014: 11-21).

کنتراس^۲ سیاست خارجی توسعه‌گرا^۳ را ... رویکردی می‌داند که بر انسجام درازمدت و همکاری بین‌نهادی برای پیشبرد مسائل توسعه وابسته است؛ لذا برای موفقیت، سیاست خارجی باید از حالت شخصی و کوتاه‌مدت به یک استراتژی منسجم و درازمدت تبدیل شود... (Contreras, 2020: 119-120). همچنین دوریژنه-تامسون^۴ سیاست خارجی توسعه‌گرا را رویکردی می‌داند که ... توسعه اقتصادی را از طریق دیپلماسی، مانند گسترش بازارهای خارجی، به اهداف کلان دولت توسعه‌گرا مثل ثبات رژیم و مشروعیت سیاسی پیوند می‌زند... (Dorigné-Thomson, 2022: 42-43). فرنس و همکاران نیز در مطالعه‌ای فرادولتی، سیاست توسعه اتحادیه اروپا را ... ابزاری چندمنظوره توصیف می‌کنند که هم چالش‌های توسعه‌ای مثل فقر و نابرابری را هدف می‌گیرد و هم به‌عنوان سیاست محوری اتحادیه، اهداف سیاست خارجی از جمله مدیریت مهاجرت و امنیت را دنبال می‌کند؛ این دیدگاه بر پیوند دیپلماسی توسعه‌ای با منافع راهبردی تأکید دارد... (Furness. et al., 2020: 42-43)

¹. Karagouz

². Contreras

³. DOFP

⁴. Dorigné-Thomson

افزون بر تمام این مطالب، پژوهش‌های اخیر بر جنبه‌ای جدید یعنی پیوند ژئوپلیتیکی و توسعه در سیاست خارجی تأکید دارند. مثلاً... ابتکار کمربند و جاده چین، فراتر از یک برنامه ژئوپلیتیکی، بازتاب‌دهنده تلاش دولت برای ارائه مدل توسعه‌ای خود از طریق سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد بازارهای جدید است که نقش محوری دولت و دیپلماسی اقتصادی فعال را در سیاست خارجی توسعه‌گرا نشان می‌دهد... (Cheng & Liu, 2021: 4)

۳- راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا

در این بخش، هدف ارائه چارچوبی از ویژگی‌های سیاست خارجی توسعه‌گرا است که از بررسی نظریات دانشمندان اقتصاد سیاسی بین‌الملل حاصل شده‌اند. ویژگی‌های مهم سیاست خارجی توسعه‌گرا با توجه به فراوانی و تأکید دانشمندان دسته‌بندی شده و می‌توان در سه بخش «نظریات سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، «نظریات دیپلماسی اقتصادی» و «نظریات ترکیبی و مدل توسعه ملی» ارائه نمود تا تصویری جامع‌تر از راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا فراهم گردد. این تقسیم‌بندی به روشن‌سازی نقش این ویژگی‌ها در پاسخ به نیازهای خاص کشورها کمک می‌کند. این نظریات به دلیل بررسی تجارب موفق کشورهای درحال توسعه (مثل بره‌های آسیا و آفریقای جنوبی) و کشورهای نزدیک به ایران (مانند ترکیه و ازبکستان) انتخاب شدند. در ایران، پژوهش‌های مستقیم درباره این موضوع کم است و بیشتر در چارچوب کلی سیاست خارجی به آن اشاره شده؛ لذا دیدگاه ظریف، به دلیل تجربه عملی (وزیر خارجه) و آکادمیک او، مورد توجه قرار گرفت.

۳-۱- نظریات سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل

۳-۱-۱- چانگ

بر اساس نظریه نهادگرایی جدید، توانایی دولت در پردازش اطلاعات وابسته به ساختار تصمیم‌گیری آن است... ساختار متمرکز به جای لایه‌ای می‌تواند در دستیابی به اهداف کلان موفق‌تر عمل کند، زیرا تصمیم‌گیری به مدیران ارشد مانند وزیران واگذار می‌شود که تمرکز آن‌ها بر اهداف کلان اقتصادی و سیاسی است. با این حال، این مسئولان باید صرفاً وظایف راهبردی مرتبط با اهداف بلندمدت را عهده‌دار شوند... (چانگ، ۱۳۹۲: ۵۹-۶۳)؛ (Chang, 2013: 59-63). این راهبرد به‌طور ساده‌تر در پی ایجاد نهادگرایی متمرکز است که «تلفیقی از هماهنگی نهادی و ایجاد نهاد هدایتگر» در حوزه سیاسی و به‌ویژه سیاست خارجی است.

این نظریه، با تأکید بر «هماهنگی نهادی» و «ایجاد نهاد هدایتگر» در سیاست‌گذاری کلان، به روشنی در این چارچوب جای می‌گیرد، زیرا به نقش ساختارهای تصمیم‌گیری و نهادها در سیاست خارجی و توسعه اقتصادی می‌پردازد. با این حال، جنبه‌های عملی و راهبردی آن در طراحی ساختارهای سیاسی و اقتصادی، می‌تواند به‌عنوان الگویی در چارچوب «نظریات ترکیبی و مدل توسعه ملی» نیز مدنظر قرار گیرد. اما چون بیشتر به تحلیل نقش نهادها و ساختارهای تصمیم‌گیری در چارچوب سیاست‌های کلان می‌پردازد و کمتر وارد جزئیات مدل‌های توسعه ملی یا ترکیبی می‌شود، بهتر است در این بخش جای گیرد.

۳-۱-۲- بالام و وست

بالام و وست بر اهمیت «همکاری دولت و دستگاه دیپلماسی با بخش خصوصی» تأکید دارند، زیرا... این همکاری که مبتنی بر هم‌افزایی اهداف جمعی و فردی است در تأمین امنیت و دستیابی به اهداف مشترک مؤثر است... همچنین، این دیدگاه به «قدرت رابطه‌ای و ساختاری در سیاست خارجی» اشاره دارد. در حالی که... قدرت رابطه‌ای به توانایی چانه‌زنی و اقناع محدود است، قدرت ساختاری توانایی تأثیرگذاری مستقیم بر اقتصاد جهانی و نهادهای سیاسی را دارد... و نهایتاً، این دو پژوهشگر معتقدند که... وجود یک دولت و سیاست خارجی قوی ضروری است، به‌ویژه در مدل بره‌های آسیا، جایی که دولت با حمایت از صنایع نوظهور و کاهش ارزش پول ملی، نقش هدایت‌گر و حامی توسعه اقتصادی را ایفا می‌کند... (بالام و وست، ۱۳۹۷: ۱۱-۲۳ و ۲۶۹-۲۷۶)؛ (Balaam & Veseth, 2018: 11-23 & 269-276)

مشترک یا اختصاصی	دلیل اهمیت	ویژگی‌ها و راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا
مشترک بین دو دیدگاه	هر دو دیدگاه بر ضرورت هماهنگی و هدایت سیاست‌گذاری توسط نهادهای مرکزی برای تضمین توسعه اقتصادی و سیاست خارجی کارآمد تأکید دارند.	هماهنگی نهادی و ایجاد نهاد هدایتگر
مشترک بین دو دیدگاه	هر دو دیدگاه بر تعامل و هم‌افزایی میان دولت و بازیگران اقتصادی داخلی تأکید دارند، که برای تحقق اهداف اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا حیاتی است.	همکاری دولت و دستگاه دیپلماسی با بخش خصوصی
مشترک بین دو دیدگاه	هر دو دیدگاه بر اهمیت نقش دولت و سیاست خارجی قدرتمند در تحقق اهداف اقتصادی و مدیریت سیاست خارجی تأکید دارند.	لزوم وجود دولت و سیاست خارجی قوی
اختصاصی دیدگاه چانگ	دیدگاه چانگ بر متمرکز بودن ساختار تصمیم‌گیری به‌عنوان راهکاری برای افزایش کارایی در دستیابی به اهداف کلان تأکید دارد.	تمرکز بر ساختارهای متمرکز تصمیم‌گیری (نهادگرایی مرکزی)
اختصاصی دیدگاه بالام و وست	این ویژگی بر رویکرد قدرت‌محور و تأثیرگذاری سیاست خارجی بر اقتصاد جهانی و نهادهای بین‌المللی تمرکز دارد.	ایجاد قدرت رابطه‌ای (چانه‌زنی و اقناع) و قدرت ساختاری (تأثیرگذاری مستقیم بر نهادهای اقتصاد جهانی و سیاسی)

جدول ۱- نظریات سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل

Table 1- Foreign Policy and International Political Economy Theories

Source: (Authors, 2024)؛ (منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

این دیدگاه از آنجایی در این بخش قرار می‌گیرد که به تبیین پیوندهای ساختار قدرت در سیاست خارجی و اقتصاد جهانی می‌پردازد. این نظریه تأکید بر تعامل دولت، دیپلماسی و بخش خصوصی دارد و نشان می‌دهد که سیاست خارجی می‌تواند از طریق تقویت همکاری‌ها و قدرت

ساختاری، به اهداف توسعه‌ای دست یابد همچنین، با تحلیل مدل بیرهای آسیا، بر نقش دولت به‌عنوان یک نهاد کلیدی در هدایت سیاست‌های توسعه‌محور تأکید می‌شود که محور اصلی این دسته‌بندی است.

۳-۱-۳- تحلیل ویژگی‌های مشترک

یکم، هماهنگی نهادی و ایجاد نهاد هدایتگر: چانگک به‌صورت مستقیم بر اهمیت ساختارهای متمرکز و نقش نهادهای هدایتگر در تنظیم و مدیریت سیاست‌گذاری‌های کلان تأکید دارد، درحالی‌که بالام و وست به‌طور غیرمستقیم، از ضرورت وجود نهادی که تعاملات بین دولت، دیپلماسی و بخش خصوصی را هماهنگ کند، سخن می‌گویند.

دوم، همکاری دولت و دستگاه دیپلماسی با بخش خصوصی: بالام و وست به‌صراحت این همکاری را به‌عنوان ابزاری برای تقویت امنیت اقتصادی و اهداف سیاست خارجی مطرح می‌کنند، در حالی‌که چانگک، با تأکید بر بسترهای نهادی متمرکز، به‌طور ضمنی از اهمیت چنین تعاملی حمایت می‌کند.

سوم، لزوم وجود دولت و سیاست خارجی قوی: هر دو دیدگاه به‌وضوح بر نقش محوری دولت قوی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و خارجی تأکید دارند؛ چانگک از منظر مدیریت متمرکز داخلی و بالام و وست از منظر تأثیرگذاری دولت در ساختارهای جهانی به این موضوع پرداخته‌اند.

۳-۲- نظریات مرتبط با دیپلماسی اقتصادی

۳-۲-۱- ون‌برژیک و مونز

دیدگاه ون‌برژیک و مونز دیپلماسی اقتصادی جدید را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و فرآیندهای فرامرزی در زمینه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری و مهاجرت تعریف می‌کند که شامل سه عنصر اصلی است: «نفوذ سیاسی برای بر تجارت و سرمایه‌گذاری»، «توسعه روابط اقتصادی برای تقویت امنیت اقتصادی»، و «تحکیم محیط اقتصادی بین‌المللی». در این راستا، «نفوذ و روابط سیاسی» نقش مهمی در بهبود عملکرد بازارها، کاهش هزینه‌ها و کاهش خطرات تجاری دارند. همچنین، «افزایش هزینه درگیری‌ها و تقویت منافع متقابل» از طریق «سیاست‌های ساختاری و توافق‌نامه‌های دوجانبه»، امنیت اقتصادی را بهبود و امکان ایجاد شرایط پایدار اقتصادی را فراهم می‌کند. (Van Bergeijk & Moons, 2009: 15)

دیپلماسی اقتصادی جدید همچنین بر «تحکیم فضای سیاسی و اقتصادی جهانی» از طریق «مذاکرات چندجانبه و همکاری با سازمان‌های فراملی» تأکید دارد. این رویکرد همچنین به اهمیت توجه به گروه‌های غیرمتمرکز نظیر شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی اشاره می‌کند و از ابزارهایی مانند «یادداشت تفاهم» و «مأموریت‌های تجاری» برای محافظت از شرکت‌ها در برابر چالش‌هایی مانند ملی‌سازی و شکست‌های بازار استفاده می‌کند. در نهایت، «تخصیص منابع و سرمایه‌گذاری» و «نقش سازمان‌های بین‌المللی» برای ایجاد محیطی پایدار در سطح جهانی نیز به‌عنوان ابزارهایی برای ایجاد یک محیط اقتصادی جهانی پایدار و تقویت دیپلماسی اقتصادی مطرح است. (Van

این دیدگاه در این بخش قرار می‌گیرد زیرا به‌وضوح به نقش دیپلماسی اقتصادی جدید در بهبود عملکرد تجارت و سرمایه‌گذاری از طریق استفاده از نفوذ سیاسی، توسعه روابط اقتصادی، و تحکیم محیط اقتصادی بین‌المللی اشاره دارد. همچنین بر اهمیت مذاکرات چندجانبه، همکاری با سازمان‌های فراملی، و محافظت از شرکت‌های بین‌المللی تأکید دارد که به تقویت امنیت اقتصادی کمک می‌کند. افزون بر این، توجه به گروه‌های غیرمتمرکز و نیاز به سیاست‌هایی که با نیازهای شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی هم‌راستا باشند، ویژگی اصلی دیپلماسی اقتصادی در دنیای جهانی شده است.

۳-۲-۳- درآگان

درآگان در تحلیل خود از دیپلماسی اقتصادی، بر اهمیت این رویکرد در بهبود وضعیت اقتصادی کشورها، به‌ویژه در شرایط بحرانی تأکید می‌کند و نقش آن را در افزایش صادرات، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بهبود تراز پرداخت‌ها بسیار حیاتی می‌داند. او معتقد است... یک دیپلماسی اقتصادی کارآمد باید شامل «تطبیق سریع محتوا و هماهنگی نهادی» باشد تا با سرعت و انعطاف با تغییرات برنامه‌ها و بازارها همگام شود و از همکاری با نهادهای دولتی و بخش خصوصی بهره‌گیری. همچنین، «ترسیم استراتژی ضدبحرانی سرمایه‌پذیر و صادرات‌محور» ضروری است؛ به طوری که بتواند با نفوذ به بازارهای جدید و فراهم کردن شرایط مناسب، صادرات را حمایت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی را جذب کند. بعلاوه، «دستورات روشن برای مأموریت‌های دیپلماتیک» اهمیت دارد تا مأموریت‌های دیپلماتیک بتوانند با دستورالعمل‌های دقیق به اجرای اهداف اقتصادی بپردازند. «ارزیابی عملکرد مأموریت‌های دیپلماتیک» نیز با سنجش تأثیرات آن‌ها بر مبادلات تجاری و جذب سرمایه، برای بررسی میزان اثربخشی این سیاست‌های است. «تربیت نیروهای متخصص اقتصادی» در بخش دیپلماتیک که در نمایندگی منافع اقتصادی و همکاری با شرکت‌ها برای بهره‌برداری از فرصت‌های شغلی جدید فعال‌اند، از دیگر نکات کلیدی است و در نهایت «حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط» به‌ویژه در مراحل اولیه ورود به بازارهای خارجی، از طریق لابی‌گری و مشاوره، بخشی اساسی از این دیپلماسی است... (Dragan, 2014: 225-226)

این دیدگاه نیز بدین دلیل در این بخش قرار می‌گیرد که به نقش کلیدی دیپلماسی اقتصادی در بهبود وضعیت اقتصادی کشورها، به‌ویژه در شرایط بحرانی، تأکید دارد و راهبردهایی مانند هماهنگی نهادی، ترسیم استراتژی ضدبحرانی، و حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط را برجسته و بر ارزیابی عملکرد مأموریت‌های دیپلماتیک و تربیت نیروهای متخصص اقتصادی به‌عنوان ابزارهایی برای ارتقای دیپلماسی اقتصادی تمرکز دارد که با اصول و اهداف این حوزه همخوانی کامل دارد.

۳-۲-۳- اسپور و داسیلوا

اسپور و داسیلوا در تحلیل سیاست خارجی توسعه‌گرا برای کشورهای نوظهور مانند ترکیه و برزیل، آن را به‌عنوان «ابزاری استراتژیک برای توسعه ملی» توصیف می‌کنند که ضمن تقویت رشد اقتصادی و کاهش نابرابری‌ها، موقعیت این کشورها را در نظام بین‌المللی بهبود و امکان پاسخگویی به رقابت‌های اقتصادی جهانی را فراهم می‌آورد. از جمله راهبردهای کلیدی این سیاست، «ارتقای

تجارت» است که با تمرکز بر افزایش صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا، رقابت‌پذیری کالاهای داخلی را تقویت می‌کند. بعلاوه، «سیاست سرمایه‌گذاری» دو بعد «جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه سرمایه‌گذاری ملی» را برای تأمین مالی و انتقال فناوری جدید دنبال می‌کند که نقش حیاتی در توسعه اقتصادی دارد. ویژگی دیگر، «تمرکز بر مذاکرات اقتصادی و تجاری» با هدف ایجاد شرایط عادلانه‌تر تجاری بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است که به مقابله با موانع تجاری ناعادلانه کمک می‌کند. همچنین، «تضمین حقوق اکتشاف منابع» برای حفاظت از مالکیت منابع طبیعی کشورها در برابر قدرت‌های بزرگ اولویت دیگر این سیاست است. «همکاری‌های بین‌المللی» در انتقال فناوری و کاهش نابرابری‌ها و «طرح‌ریزی بین‌المللی» جهت «حفظ خودمختاری کشورها» در نظام جهانی از دیگر عناصر این سیاست است. این خط‌مشی‌ها با ایجاد خودمختاری، توان کشورها در اجرای مستقل استراتژی‌های توسعه‌ای را تقویت می‌کنند. (Spohr & Da Silva, 2017: 157- 163)

این تحلیل بر استفاده از ابزارهای اقتصادی مانند ارتقای تجارت، سیاست سرمایه‌گذاری، و مذاکرات تجاری به‌عنوان ابزارهای کلیدی دیپلماسی اقتصادی تأکید دارد؛ همچنین تمرکز بر همکاری‌های بین‌المللی، تضمین حقوق اکتشاف منابع، و طرح‌ریزی بین‌المللی برای افزایش خودمختاری کشورها و کاهش وابستگی به بازیگران خارجی نیز، این دیدگاه را به‌وضوح در چارچوب نظریات دیپلماسی اقتصادی قرار می‌دهد.

۳-۲-۴- تونامی

تونامی در تحلیل خود، سیاست خارجی توسعه‌گرا را از منظر دیپلماسی اقتصادی بررسی کرده و بر چهار ویژگی اصلی تأکید دارد. ... «دیپلماسی اقتصادی فعال» که به‌عنوان ابزار کلیدی توسعه اقتصادی و تأمین امنیت اقتصادی ژاپن در یک سیستم بین‌المللی آنارشیک عمل می‌کند؛ «امنیت‌زایی اقتصادی در محیط بین‌المللی بی‌نظم» که از طریق ابزارهای اقتصادی و سیاسی به تقویت رفاه اقتصادی و ثبات سیاسی می‌پردازد؛ «استفاده از کمک‌های رسمی توسعه» به‌عنوان ابزاری کلیدی که به بازسازی صنعتی و اهداف دیپلماتیک و اقتصادی ژاپن در قبال کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته کمک کرد و نهایتاً «همکاری میان دولت و بخش خصوصی» که به توسعه اقتصادی ژاپن و کاهش فقر کمک و از فعالیت‌های بخش خصوصی، زیرساخت‌ها و منابع انسانی حمایت می‌کند. این سیاست نشان‌دهنده همکاری‌های ژاپن در قالب سرمایه‌داری کمونیستی و تفسیری از مسیر توسعه تاریخی و جایگاه جهانی این کشور است... (Tonami, 2018: 1212-1218)

این دیدگاه بر دیپلماسی اقتصادی فعال، امنیت‌زایی اقتصادی، و استفاده از کمک‌های رسمی توسعه تأکید دارد که همگی در چارچوب نقش اقتصاد در سیاست خارجی جای می‌گیرند. همچنین، همکاری میان دولت و بخش خصوصی این تحلیل را به‌عنوان بخشی از دیپلماسی اقتصادی تقویت می‌کند.

¹. ODA

مشترک یا اختصاصی (تعداد تکرار در ۴ دیدگاه)	دلیل اهمیت	ویژگی‌ها و راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا
مشترک (۴ دیدگاه)	همه دیدگاه‌ها بر اهمیت تعامل میان دولت و بازیگران اقتصادی برای دستیابی به توسعه اقتصادی و کاهش نابرابری تأکید می‌کنند.	همکاری میان دولت و بخش خصوصی
مشترک (۳ دیدگاه)	ایجاد شرایط عادلانه‌تر تجاری، مقابله با موانع تجاری و تقویت تعاملات تجاری بین‌المللی از طریق این ویژگی محقق می‌شود.	تمرکز بر مذاکرات اقتصادی و تجاری
مشترک (۳ دیدگاه)	این ویژگی نقش کلیدی در توسعه اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری و تأمین امنیت اقتصادی در فضای بین‌المللی ایفا می‌کند.	دیپلماسی اقتصادی فعال
مشترک (۲ دیدگاه)	این ویژگی به کاهش نابرابری‌ها و تقویت خودمختاری اقتصادی کشورها در نظام جهانی کمک می‌کند.	همکاری‌های بین‌المللی و انتقال فناوری
مشترک (۲ دیدگاه)	این ویژگی بهبود عملکرد بازارها، کاهش مخاطرات تجاری و افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی را تضمین می‌کند.	استفاده از نفوذ سیاسی برای تجارت و سرمایه‌گذاری
مشترک (۲ دیدگاه)	این ویژگی به تطبیق سریع سیاست‌ها و همکاری دولت و بخش خصوصی برای واکنش به تغییرات محیطی و بحرانی تأکید دارد.	هماهنگی نهادی و انعطاف‌پذیری
اختصاصی به دیدگاه تونامی	تونامی بر استفاده از ابزارهای اقتصادی و سیاسی برای تضمین رفاه اقتصادی و ثبات سیاسی تأکید می‌کند.	امنیت‌زایی اقتصادی در محیط بی‌نظم جهانی
اختصاصی به دیدگاه اسپور و داسیلوا	این ویژگی برای حفاظت از منابع طبیعی کشورها در برابر تسلط قدرت‌های خارجی حیاتی است.	تضمین حقوق اکتشاف منابع و حفظ مالکیت ملی
اختصاصی به دیدگاه دراگان	بر اهمیت نیروی انسانی متخصص در نمایندگی منافع اقتصادی و همکاری با شرکت‌ها تأکید دارد.	تربیت نیروهای متخصص اقتصادی
اختصاصی به دیدگاه دراگان	این ویژگی به تقویت توان رقابتی شرکت‌ها در بازارهای بین‌المللی و توسعه اقتصادی داخلی کمک می‌کند.	حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط

جدول ۲- نظریات مرتبط با دیپلماسی اقتصادی

Table 2- Economic Diplomacy Theories

Source: (منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)؛ (Authors, 2024)

۳-۲-۵- تحلیل ویژگی‌های برجسته

یکم، همکاری میان دولت و بخش خصوصی (۴ دیدگاه): این ویژگی بیشترین تکرار را دارد و بر تعاملات ساختاری و هم‌افزایی بین بازیگران اقتصادی تأکید می‌کند.

دوم، دیپلماسی اقتصادی فعال و تمرکز بر مذاکرات تجاری (۳ دیدگاه): این ویژگی‌ها نقش محوری در ایجاد امنیت اقتصادی و رشد تجارت بین‌المللی دارند. سوم، هماهنگی نهادی و انعطاف‌پذیری (۲ دیدگاه): به‌عنوان یکی از الزامات اساسی برای مدیریت بحران‌ها و تغییرات محیطی شناخته می‌شود.

۳-۳- نظریه‌های ترکیبی و مدل توسعه ملی

۳-۳-۱- لندزبرگ و جورجیو

لندسبرگ و جورجیو ویژگی‌های سیاست خارجی توسعه‌گرا را با تأکید بر «نقش نهادهای هدایتگر و اهمیت مشارکت بازیگران دولتی و غیردولتی» تعریف می‌کنند. نخست، وجود یک «نهاد هدایتگر» که بتواند منافع ملی را در سطح بین‌المللی تعریف و هدایت کند، بسیار مهم است و باید تمامی بازیگران مرتبط مانند جامعه‌مدنی و مؤسسات تحقیقاتی را نیز درگیر کند. سیاست خارجی توسعه‌گرا باید به «ترکیبی از عمل‌گرایی و اصول» پایبند باشد، و توازن بین اهداف استراتژیک و ارزش‌های دموکراسی و حقوق بشر را حفظ کند. این سیاست نیازمند «ظرفیت استراتژیک قوی و داشتن تصویر درست از خود و درک دقیق از منافع ملی» است که در آن دیپلماسی به‌عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی و تجاری عمل می‌کند. «رشد اقتصادی پایدار» به‌عنوان پایه سیاست خارجی، و «شایسته‌سالاری در دستگاه دیپلماسی» برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای حیاتی است. (Landsberg & Georghiou, 2015: 482-488)

این سیاست باید با «مشارکت بازیگران دولتی و غیردولتی» تقویت شود، زیرا تعامل با اندیشکده‌ها و دانشگاه‌ها در رسیدن به اهداف توسعه‌ای نقش مهمی دارند. «دیپلماسی عمومی» نیز برای کسب اعتماد عمومی امری حیاتی است، زیرا موفقیت سیاست خارجی به حمایت مردمی وابسته است. در این سیاست، «همزیستی منافع ملی و بین‌المللی» برقرار است و باید تعهدات بین‌المللی در راستای منافع ملی تنظیم شوند. در نهایت، «بسیج منابع» از طریق دیپلماسی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست خارجی توسعه‌گرا است؛ دیپلمات‌ها باید از طریق دیپلماسی موضوعی، منابع جامعه و افکار عمومی را برای پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی به کار گیرند و از این طریق به ایجاد پشتوانه اجتماعی و اقتصادی بپردازند. (Landsberg & Georghiou, 2015: 491-492)

(Georghiou, 2013: 68)

این دیدگاه با تأکید بر نهادهای هدایتگر، مشارکت بازیگران دولتی و غیردولتی و همزیستی منافع ملی و بین‌المللی، سیاست خارجی را به‌عنوان ابزاری استراتژیک برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و اهداف توسعه‌ای معرفی می‌کند. برخلاف دیدگاه چانگ که بر نهادگرایی متمرکز و ساختار تصمیم‌گیری در چارچوب اقتصاد سیاسی بین‌الملل تأکید دارد، این دیدگاه به تعامل فراگیرتر بازیگران و بسیج منابع دیپلماتیک می‌پردازد و به همین دلیل در دسته‌بندی نظریه‌های ترکیبی جای می‌گیرد.

۳-۳-۲- هیوود

هیوود بر «حکومت‌ورزی و هماهنگی نهادی» در سیاست خارجی توسعه‌گرا یعنی ضرورت «حرکت از فرماندهی و کنترل» به سوی «هماهنگی» در چارچوب سیاست‌گذاری تأکید دارد. این

رویکرد، حکمرانی مطلوب را شامل «حاکمیت قانون، شفافیت، حساسیت متقابل، عدالت اجتماعی، شمول‌پذیری و پاسخگویی» می‌داند. به اعتقاد او، سیاست‌های توسعه‌گرا در چارچوب مدل «پست‌فوردیستی» که بر انعطاف‌پذیری، نوآوری و تمرکززدایی تأکید دارد، مؤثرتر عمل می‌کنند. همچنین «تصویرسازی و تعریف درست از خود» در سیاست‌گذاری مورد تأکید است و «این شناخت و درک ارزش‌های درونی افراد در تصمیم‌گیری‌ها نقش کلیدی دارد و به‌عنوان پیش‌شرط تصمیم‌گیری‌های صحیح و مؤثر عمل می‌کند». (هیوود، ۱۳۹۶: ۱۶۲-۱۶۴ و ۱۷۵-۱۷۶)؛ (Heywood, 2017: 162-164 & 175-176)

این دیدگاه نیز در این بخش جای دارد زیرا با تأکید بر حکومت‌ورزی و هماهنگی نهادی و مفاهیمی چون تصویرسازی و تعریف درست از خود، سیاست خارجی را ابزاری برای توسعه پایدار و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک می‌داند. این دیدگاه با تمرکز بر مدل پست‌فوردیستی که به انعطاف‌پذیری و تمرکززدایی می‌پردازد، جنبه‌های ساختاری و شناختی را ترکیب و از این رو فراتر از چارچوب‌های سنتی نظریه‌های سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل قرار دارد.

۳-۳-۳- لفتویچ

لفتویچ تأکید دارد که «نقش نهادها و هماهنگی نهادی» در توسعه اقتصادی بسیار حیاتی است و... نهادگرایی مدرن بر تعامل میان قوانین رسمی و غیررسمی و تأثیر آن‌ها بر توسعه متمرکز است... وی بر این باور است که... توسعه با فراهم‌سازی دسترسی برابر به منابع اقتصادی و تعامل میان نهادهای داخلی و خارجی... حاصل می‌شود. «لزوم وجود دولت و سیاست خارجی قوی» نکته مهم بعدی است؛ زیرا قوانین توسعه‌گرا... نیازمند دولت‌های کارآمد و مهندسی نهادی هستند که روابطی درست میان بخش دولتی و خصوصی ایجاد و به اهداف توسعه‌ای پایبند باشند... موفقیت در اجرای قوانین توسعه‌گرا همچنین... مستلزم توزیع مناسب قدرت سیاسی و مهندسی نهادی است و شکست در این زمینه می‌تواند به زوال نهادی و ناکامی دولت منجر شود... (لفتویچ، ۱۳۹۷: ۳۱۱-۳۲۲)؛ (Leftvich, 2018: 311-322)

این دیدگاه نیز در این بخش است زیرا به طور همزمان بر هماهنگی نهادی و نقش نهادها و لزوم وجود دولت و سیاست خارجی قوی تأکید دارد که با ترکیب تعامل نهادهای داخلی و خارجی، فراهم‌سازی دسترسی برابر به منابع، و نیاز به توزیع قدرت سیاسی مناسب، به دنبال تقویت ساختارهای توسعه‌محور است. همچنین، تأکید بر مهندسی نهادی و پیوند میان بخش دولتی و خصوصی، آنرا به چارچوبی جامع برای سیاست‌گذاری توسعه‌گرا تبدیل کرده که با مدل‌های تک‌بعدی تفاوت دارد.

۳-۳-۴- دادبائف

دادبائف در تحلیل سیاست خارجی توسعه‌گرای ازبکستان تحت رهبری میرضیایف، به شش راهبرد کلیدی اشاره می‌کند. «سیاست خارجی اقتصادمحور» که با تمرکز بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات به تقویت توسعه اقتصادی داخلی می‌پردازد؛ «غیرمتمرکز و فراگیر شدن سیاست‌گذاری» به گونه‌ای که مناطق مختلف ازبکستان از طریق نمایندگی‌های خارجی، مستقل در جذب سرمایه‌گذاری و توسعه صادرات عمل می‌کنند؛ «تقسیم مناطق و تعامل نزدیک با سفرا» برای جذب

سرمایه که هر نمایندگی خارجی مسئول جذب سرمایه برای یک منطقه خاص است و فرمانداران در تعامل مستمر با سفرا قرار دارند؛ «نقش کلیدی سفیران سابق» که پس از پایان خدمت در سمت‌های داخلی منصوب می‌شوند تا از تجربه و شبکه ارتباطی خود برای توسعه داخلی بهره ببرند؛ «تخصص‌گرایی و تقسیم مناطق جهانی» که ازبکستان از آن برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بهره‌گیری از تجارب مقامات عالی‌رتبه استفاده می‌کند؛ و «توجه به ماهیت نهادهای ملی در حوزه‌های داخلی و خارجی» برای ارائه تحلیلی جامع از سیاست خارجی توسعه‌گرا که اهمیت نهادهای ملی را در پیوند با سیاست داخلی و خارجی برجسته می‌سازد. (Dadabaev, 2020: 897-899)

در این دیدگاه بر سیاست خارجی اقتصادمحور و هماهنگی نهادی برای جذب سرمایه‌گذاری و توسعه داخلی تأکید شده است. رویکردهایی مانند غیرمتمرکز شدن سیاست‌گذاری و تقسیم مناطق و تعامل با سفرا، همراه با توجه به نهادهای ملی، این دیدگاه را به الگویی جامع برای پیوند سیاست داخلی و خارجی در راستای توسعه ملی تبدیل می‌کند.

۳-۳-۵- دال و همکاران

دال و همکاران سیاست خارجی توسعه‌گرا را در کشورهای بهره‌ای آسیایی از طریق پنج حوزه کلیدی تحلیل کرده‌اند. در «لایه اقتصادی»، سیاست خارجی به دنبال «گسترش تجارت بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، و تسهیل ورود فناوری به کشورها» است که این اقدامات موجب رشد اقتصادی، کاهش فقر، و افزایش رقابت‌پذیری جهانی می‌شود... «لایه دیپلماسی» شامل «مشارکت فعال در نهادهای جهانی، همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه، و دیپلماسی عمومی» است که هدف آن «ایجاد تصویر مثبتی از کشور در سطح بین‌المللی، تقویت قدرت نرم، و افزایش اعتبار جهانی» است... این لایه به‌طور مستقیم به ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری کمک می‌کند. (Dal et al., 2021: 3-6)

... «لایه امنیت و صلح» بر «مشارکت در عملیات صلح‌بانی، مدیریت تعارضات و تقویت همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای» متمرکز و امنیت ملی را تضمین و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای را تسهیل می‌کند. «لایه جامعه مدنی» به «حمایت از سازمان‌های غیردولتی و ارتقای اعتماد عمومی به دولت» از طریق شفافیت و کارآمدی توجه دارد، که موجب استقبال بیشتر از برنامه‌های توسعه‌ای می‌شود. در نهایت، «لایه دولت-بازار» نقش دولت در «ایجاد محیطی امن و پایدار برای سرمایه‌گذاری» و «حمایت از توسعه زیرساخت‌ها» را با هدف «حفظ منافع توسعه‌محور کشورها» در چارچوب آزادی اقتصادی و کنترل بر بخش خصوصی بررسی می‌کند... (Dal et al., 2021: 5-6)

این دیدگاه نیز در این بخش جای می‌گیرد، زیرا سیاست خارجی توسعه‌گرا را از طریق پنج لایه کلیدی شامل اقتصاد، دیپلماسی، امنیت و صلح، جامعه مدنی، و دولت-بازار تحلیل می‌کند و با ترکیب رویکردهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی، مدل‌های عملیاتی مختلف را برای توسعه ملی ارائه و بر هماهنگی سیاست‌های داخلی و خارجی تأکید دارد.

۳-۳-۶- بریج

بریج تأکید دارد که... سفارت‌خانه‌ها در توسعه نقش حیاتی ایفا می‌کنند به‌ویژه از طریق «فعال‌سازی بخش‌های اقتصادی» که به ارتقاء صادرات، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم، و تأمین مواد اولیه

می‌پردازند... این بخش‌ها، شامل... سازمان‌های ترویج تجارت، وظایفی همچون گزارش تحولات اقتصادی، نظارت بر توافقات اقتصادی و تعامل با رسانه‌ها و تحریم‌های هوشمند... را بر عهده دارند. در کشورهایی با... اهمیت اقتصادی ویژه یا دولتی اقتدارگرا، افسران تجاری نفوذ بیشتری یافته و اغلب به‌طور مؤثرتری به مدیران کلیدی دسترسی دارند. «جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها» نیز در سیاست خارجی توسعه‌گرا توسط بخش‌های اطلاعاتی و تحقیقاتی سفارت‌ها و وزارت خارجه اهمیت بالایی دارد. این داده‌ها علاوه بر مذاکرات امنیتی به شناسایی پتانسیل‌های اقتصادی کشور مقابل نیز کمک کرده و از هدررفت منابع و سرمایه‌گذاری ناکارآمد جلوگیری می‌کنند. ... (Berridge, 2022: 8, 107-108 & 175)

در این دیدگاه نیز بر فعال‌سازی بخش‌های اقتصادی سفارت‌خانه‌ها و جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها برای تقویت سیاست خارجی توسعه‌گرا تأکید و با ترکیب ابزارهای اقتصادی و اطلاعاتی در سیاست خارجی، رویکردی جامع ارائه می‌دهد که بر نقش نهادهای دولتی و دیپلماسی اقتصادی در ارتقای توسعه ملی تأکید می‌کند.

۳-۷- کوتلی و کاراگوز

کوتلی و کاراگوز سیاست خارجی توسعه‌گرا را از دیدگاهی عمومی بررسی و با نقد ادبیات رایج در رابطه بین اقتصاد و سیاست خارجی چهار رویکرد اصلی را شناسایی کرده‌اند: «دولت‌داری با ابزارهای اقتصادی»... که از تحریم‌ها و کمک‌های اقتصادی برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی استفاده می‌کند و بیشتر بر سیاست قدرت‌های بزرگ تمرکز دارد...؛ «سیاست اقتصادی خارجی»... که به حمایت از شرکت‌های ملی برای رقابت خارجی می‌پردازد، اما چارچوب کافی برای سیاست خارجی توسعه‌محور ارائه نمی‌دهد...؛ «وابستگی متقابل اقتصادی و تضاد»... که تأثیرات اقتصادی بر امنیت را از دیدگاه واقع‌گرایان و لیبرال‌ها بررسی می‌کند، اما به نتایج بلندمدت وابستگی متقابل نمی‌پردازد...؛ «دولت تجاری»... که تأکید دارد دولت‌ها به جای اتکا به قدرت نظامی به وسیله تجارت و اقتصاد نقش بین‌المللی خود را تقویت می‌کنند ولی راهکارهای مشخصی برای توسعه همکاری اقتصادی ارائه نمی‌کنند... (Kutlay & Karaoguz, 2023: 27-30)

آنان «مدل توسعه ملی و سیاست خارجی» را پیشنهاد می‌کنند که بر «همسویی سیاست خارجی با رژیم توسعه داخلی» تأکید دارد. براساس این مدل... در صورت عدم هماهنگی این دو سطح، توسعه بلندمدت کشور به خطر می‌افتد... مدل مذکور بر سه ستون کلیدی یعنی «حاکمیت اقتصادی»، «همکاری دولت-تجارت» و «حکمرانی مالی» استوار است. ...حاکمیت اقتصادی بر تحول ساختاری اقتصاد و سرمایه‌گذاری در صنایع با ارزش افزوده بالا و مقاوم‌سازی در برابر شوک‌های خارجی تمرکز دارد... «سیاست خارجی توسعه‌محور» نیز شامل «تعریف از خود»، «خودمختاری نهفته» و «ایجاد نهاد هدایتگر» است... که با همگرایی و انعطاف‌پذیری، سیاست‌های خارجی و داخلی را هماهنگ می‌کند... نهایتاً «همکاری نهادینه‌شده میان دولت و بخش خصوصی»... به‌عنوان ابزاری مهم برای تحقق اهداف توسعه‌ای معرفی می‌شود که نیازمند ساختاری متقابل است تا دولت و شرکت‌ها با حفظ استقلال خود، به منافع مشترک دست یابند... (Kutlay &

در بُعد مالی، حکمرانی مالی بر «خودکفایی مالی و مدیریت سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی» تأکید دارد تا وابستگی به سرمایه خارجی کاهش یابد. این مدل به دو نکته اساسی برای اجرای مؤثر سیاست خارجی توسعه‌گرا اشاره می‌کند: «فهم نظام جهانی جدید» و «افزایش مداخلة دولت در سرمایه‌گذاری خارجی» به‌ویژه در حوزه‌های استراتژیک نظیر انرژی و فناوری پیشرفته. ... این دو ویژگی با تحولات جهانی و چالش‌های امنیتی-اقتصادی جدید مرتبطند و به کشورها کمک می‌کنند تا در فضای چندقطبی نوظهور، انعطاف‌پذیری و خودکفایی اقتصادی خود را تقویت و در جهت منافع استراتژیک خود در نظام بین‌المللی گام بردارند... (Kutlay & Karaoguz, 2023: 5, 23-24 & 32-40)

این دیدگاه بدین دلیل در این بخش جای دارد که با ارائه مدل جامع توسعه ملی و سیاست خارجی، سیاست خارجی توسعه‌گرا را یک رویکردی چندبعدی معرفی می‌کند که شامل سه ستون کلیدی حاکمیت اقتصادی، همکاری دولت-تجارت، و حکمرانی مالی است و هم‌سویی میان سیاست خارجی و داخلی را ضروری می‌داند. این دیدگاه با ترکیب نظریات مختلف و تأکید بر ویژگی‌هایی مانند تعریف از خود، خودمختاری نهفته و نهاد هدایتگر، ساختاری عملیاتی و انعطاف‌پذیر برای هماهنگی سیاست‌ها و توسعه اقتصادی ارائه داده که مستقیماً با راهبردهای توسعه ملی تنیده است.

۳-۳-۸- محمدجواد ظریف

محمدجواد ظریف در کتاب «پایاب شکیبایی»، «هماهنگی نهادی» را اساسی‌ترین ویژگی برای پیشبرد توسعه اقتصادی می‌داند و معتقد است... سیاست خارجی باید بر «شناخت دقیق از خود و منافع ملی» استوار باشد... این شناخت از طریق «همگرایی نهادی»... در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای مردم حاصل می‌شود و بنابراین، توافق داخلی در تعریف منافع ملی ضروری است به‌گونه‌ای که «آرمان‌گرایی» در خدمت «عمل‌گرایی» برای تحقق اهداف واقعی قرار گیرد... (ظریف، ۱۴۰۳: ۱۸، ۱۷۹-۱۸۰)؛ (Zarif, 2024: 18 & 179-180) وی بر «اقتدار وزارت خارجه در هماهنگی روابط خارجی» تأکید می‌کند و هشدار می‌دهد که... عدم هماهنگی این نهاد با سایر دستگاه‌ها باعث اختلال در سیاست خارجی و تأثیر منفی بر دیپلماسی اقتصادی کشور خواهد شد... (ظریف، ۱۴۰۳: ۱۵۳-۱۵۴)؛ (Zarif, 2024: 153-154)

او «دیپلماسی عمومی» و بهره‌گیری از «رسانه‌ها و فضای مجازی» را ابزاری کلیدی در سیاست خارجی می‌داند... که با فراهم کردن امکان انتشار سریع اطلاعات، تأثیرات چشمگیری بر افکار عمومی داخلی و بین‌المللی دارند و می‌توانند در تحکیم روابط اقتصادی مؤثر باشند... وی بر «هماهنگی اولویت‌ها» در سیاست خارجی تأکید دارد، به‌گونه‌ای که... اولویت‌ها صرفاً اقتصادی یا سیاسی نباشند و در راستای امنیت و دیپلماسی نیز هم‌جهت باشند... . بعلاوه، «پیوندهای درازمدت و منفعت‌گرایی» در روابط خارجی،... پایدارتر از روابط کوتاه‌مدت و فرصت‌طلبانه‌اند و به حفظ منافع مشترک کمک می‌کنند... (ظریف، ۱۴۰۳: ۱۵۸-۱۵۷، ۲۵۰، ۳۵۲-۳۵۳)؛ (Zarif, 2024: 157-158 & 250 & 352-353) نهایتاً، ظریف بر «اولویت همسایگان» در سیاست خارجی تأکید و

«چندجانبه‌گرایی» را در کنار «استقلال در روابط خارجی» ضروری می‌داند. او می‌گوید... روابط با همسایگان به‌ویژه در شرایط تحریم می‌تواند تأثیر تحریم‌ها را کاهش دهد... همچنین،... چندجانبه‌گرایی به کشورها کمک می‌کند تا وابستگی خود را به یک بازیگر خاص کاهش و با ایجاد «گزینه‌های جایگزین»، پایداری روابط خارجی را تضمین کنند... (ظریف، ۱۴۰۳: ۴۶۷-۴۶۹) (Zarif, 2024: 467-469)

ویژگی‌ها و راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا	دلیل اهمیت	مشترک یا اختصاصی (و تعداد تکرار در دیدگاه‌ها)
هماهنگی نهادی و نقش نهادها	تضمین اجرای سیاست‌های خارجی و داخلی هماهنگ، بهبود تصمیم‌گیری و مدیریت منابع.	مشترک (۷ دیدگاه: لندسبرگ و جورجیو، هیوود، لفتویچ، دادبائف، بریج، کوتلی و کاراگوز، ظریف)
نهاد هدایتگر	ایجاد هماهنگی میان سیاست‌های خارجی و داخلی برای تحقق اهداف توسعه‌ای.	مشترک (۴ دیدگاه: لندسبرگ و جورجیو، کوتلی و کاراگوز، هیوود، دادبائف)
شناخت دقیق از خود و تعریف منافع ملی	شناسایی و انطباق منافع ملی با اهداف سیاست خارجی و تقویت هویت ملی.	مشترک (۵ دیدگاه: لندسبرگ و جورجیو، هیوود، کوتلی و کاراگوز، ظریف، دال و همکاران)
همکاری دولت-تجارت	تعامل سازنده دولت با بخش خصوصی برای افزایش کارایی و تحقق اهداف اقتصادی.	مشترک (۳ دیدگاه: کوتلی و کاراگوز، دادبائف، بریج)
بسیج منابع از طریق دیپلماسی	استفاده از ابزارهای دیپلماتیک برای هدایت منابع و تقویت اقتصاد داخلی.	مشترک (۴ دیدگاه: لندسبرگ و جورجیو، بریج، دال و همکاران، دادبائف)
حکمرانی مالی و خودکفایی اقتصادی	کاهش وابستگی به سرمایه خارجی و ایجاد ثبات مالی داخلی برای مقابله با شوک‌های اقتصادی.	مشترک (۳ دیدگاه: کوتلی و کاراگوز، لفتویچ، دال و همکاران)
دیپلماسی عمومی	تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی و خارجی و تقویت جایگاه بین‌المللی.	مشترک (۳ دیدگاه: لندسبرگ و جورجیو، ظریف، دال و همکاران)
انعطاف‌پذیری و تمرکززدایی	سازگاری بهتر با شرایط متغیر اقتصادی و سیاسی و افزایش نوآوری.	مشترک (۳ دیدگاه: هیوود، دادبائف، دال و همکاران)
رابطه پایدار و منفعت‌گرایی	ایجاد روابط بلندمدت سودمند متقابل به‌جای روابط موقت و پرریسک.	مشترک (۲ دیدگاه: ظریف، دادبائف)
عمل‌گرایی در سیاست خارجی	توازن بین اهداف استراتژیک و ارزش‌های آرمانی، دموکراتیک و حقوق بشر	مشترک (۲ دیدگاه: لندزبرگ و جورجیو، ظریف)

ادامه جدول ۳		
مشترک یا اختصاصی (و تعداد تکرار در دیدگاه‌ها)	دلیل اهمیت	ویژگی‌ها و راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا
اختصاصی (۱ دیدگاه: ظریف)	تقویت همکاری‌های منطقه‌ای به عنوان ابزاری برای کاهش اثرات تحریم‌ها و دستیابی به ثبات اقتصادی.	اولویت همسایگان در سیاست خارجی
اختصاصی (۱ دیدگاه: کوتلی و کاراگوز)	سازگاری با تحولات جهانی و حفظ استقلال داخلی در عین تعامل بین‌المللی.	فهم نظام جهانی جدید و خودمختاری نهفته
اختصاصی (۱ دیدگاه: لندسبرگ و جورجیو)	افزایش کارآمدی و حرفه‌ای‌گری در سیاست‌گذاری‌های دیپلماتیک.	شایسته‌سالاری در دستگاه دیپلماسی

جدول ۳- نظریه‌های ترکیبی و مدل توسعه ملی

Table 3 - Hybrid theories and national development model

Source: (Authors, 2024); (۱۴۰۳)؛ (منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

۴- تفسیر و تحلیل نهایی

تعداد تکرار	دلیل اهمیت	ویژگی‌ها و راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا
۱۱	تضمین اجرای سیاست‌های خارجی و داخلی هماهنگ، بهبود تصمیم‌گیری و مدیریت منابع	هماهنگی نهادی
۹	تعامل میان دولت و بازیگران اقتصادی برای دستیابی به توسعه اقتصادی	همکاری دولت و بخش خصوصی
۷	استفاده از ابزارهای دیپلماتیک برای تقویت منابع اقتصادی، تأمین امنیت اقتصادی و پیشبرد توسعه اقتصادی	دیپلماسی اقتصادی فعال و بسیج منابع
۷	ایجاد هماهنگی میان سیاست‌های خارجی و داخلی و هدایت سیاست‌گذاری‌ها	نهاد هدایتگر و تمرکز بر ساختارهای متمرکز تصمیم‌گیری (نهادگرایی مرکزی)
۵	شناسایی منافع ملی و انطباق با سیاست‌های خارجی	شناخت دقیق از خود و تعریف منافع ملی
۳	ایجاد شرایط عادلانه‌تر تجاری و تقویت تعاملات تجاری بین‌المللی	تمرکز بر مذاکرات اقتصادی و تجاری
۳	کاهش وابستگی به سرمایه خارجی و ایجاد ثبات مالی داخلی	حکمرانی مالی و خودکفایی اقتصادی
۳	تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی و خارجی و تقویت جایگاه بین‌المللی	دیپلماسی عمومی
۳	سازگاری بهتر با شرایط متغیر اقتصادی و سیاسی و افزایش نوآوری	انعطاف‌پذیری و تمرکززدایی

ادامه جدول ۴		
تعداد تکرار	دلیل اهمیت	ویژگی‌ها و راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا
۳	تأثیرگذاری سیاست خارجی بر نهادهای اقتصادی و سیاسی جهانی	دولت و سیاست خارجی قوی (ایجاد قدرت رابطه‌ای و قدرت ساختاری)
۲	کاهش نابرابری‌ها و تقویت خودمختاری اقتصادی در نظام جهانی	همکاری‌های بین‌المللی و انتقال فناوری
۲	بهبود عملکرد بازارها و کاهش مخاطرات تجاری	استفاده از نفوذ سیاسی برای تجارت و سرمایه‌گذاری
۲	ایجاد روابط بلندمدت سودمند متقابل.	رابطه پایدار و منفعت‌گرایی
۲	ترکیب عمل‌گرایی با آرمان‌گرایی برای دستیابی به اهداف واقعی	عمل‌گرایی در سیاست خارجی
۲	ارتقای کارآمدی سیاست‌گذاری‌های دیپلماتیک.	شایسته‌سالاری در دستگاه دیپلماسی و تربیت نیروهای متخصص
۱	تضمین رفاه اقتصادی و ثبات سیاسی در محیط‌های پرریسک	امنیت‌زایی اقتصادی در محیط بی‌نظم جهانی
۱	حفاظت از منابع طبیعی در برابر تسلط قدرت‌های خارجی	تضمین حقوق اکتشاف منابع و حفظ مالکیت ملی
۱	تقویت توان رقابتی شرکت‌ها در بازارهای بین‌المللی	حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط
۱	تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و کاهش اثرات تحریم‌ها	اولویت همسایگان در سیاست خارجی
۱	سازگاری با تحولات جهانی و حفظ استقلال داخلی	فهم نظام جهانی جدید و خودمختاری نهفته

جدول ۴- جدول نهایی ادغام شده

Table 4- Final merged table

(منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)؛ (Authors, 2024)

جدول نهایی ویژگی‌ها و راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا، اولویت‌های اصلی و میزان تأکید نظریات مختلف بر جنبه‌های مختلف سیاست‌گذاری است را نشان می‌دهد که براساس تعداد تکرار هر راهبرد تهیه و وجوه اشتراکی آن در دسته‌بندی‌های مختلف را بررسی نکرده است. پنج ویژگی نخست که بیشترین تکرار را دارند، مستقیماً بر اثربخشی سیاست خارجی توسعه‌گرا تأثیر می‌گذارند و شامل بهبود هماهنگی داخلی و بین‌المللی، تقویت منابع اقتصادی، تعامل دولت و بخش خصوصی و طراحی ساختارهای تصمیم‌گیری کارآمد هستند. سیاست خارجی توسعه‌گرا عمدتاً بر تقویت قدرت اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک کشور در سطح جهانی متمرکز است و این ویژگی‌ها نقش کلیدی در موفقیت و پایداری سیاست‌گذاری در این حوزه دارند.

یکم، هماهنگی نهادی (۱۱ تکرار)

هماهنگی نهادی به ایجاد انسجام و هم‌راستایی میان دولت، بخش خصوصی، نهادهای اقتصادی

و بازیگران بین‌المللی در طراحی و اجرای سیاست‌ها برای تحقق اهداف توسعه‌ای اشاره دارد. این مفهوم در سیاست خارجی توسعه‌گرا اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا سیاست‌های داخلی و خارجی باید به گونه‌ای هماهنگ شوند که منافع کل کشور را تأمین کنند. در نبود هماهنگی نهادی، ممکن است سیاست خارجی با سیاست‌های داخلی در تضاد قرار گیرد و توانایی کشور در دستیابی به اهداف توسعه‌ای را به شدت کاهش دهد.

دوم، همکاری دولت و بخش خصوصی (۹ تکرار)

همکاری میان دولت و بخش خصوصی یکی از مؤلفه‌های کلیدی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای است. در سیاست خارجی توسعه‌گرا، این همکاری اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا دولت با فراهم کردن زیرساخت‌ها، امکان رشد بخش خصوصی را ایجاد و بخش خصوصی نیز با نوآوری‌ها و تقویت رقابت، توسعه اقتصادی را تسریع می‌کند. این تعامل می‌تواند اقتصاد کشور را ارتقا داده و نقش مؤثرتری در عرصه‌های جهانی ایفا کند که نهایتاً به تقویت موقعیت اقتصادی کشور و افزایش قدرت آن در مذاکرات بین‌المللی می‌انجامد.

سوم، دیپلماسی اقتصادی فعال و بسیج منابع (۷ تکرار)

دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی سیاست خارجی توسعه‌گرا، نقشی اساسی در ایجاد ارتباطات تجاری و اقتصادی با سایر کشورها و مناطق دارد. این نوع دیپلماسی می‌تواند از طریق جذب سرمایه‌گذاری، گسترش فرصت‌های تجاری و همکاری‌های فنی، به رشد و امنیت اقتصادی کشور کمک کند. همچنین، در شرایطی که هدف کشور افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی است، دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یک منبع اصلی برای دستیابی به این اهداف مطرح می‌شود. در همین راستا، بسیج منابع نیز به جلب و تخصیص منابع داخلی و خارجی برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای اشاره دارد.

چهارم، نهاد هدایتگر و تمرکز بر ساختارهای متمرکز تصمیم‌گیری (۷ تکرار)

در سیاست خارجی توسعه‌گرا، داشتن نهادهای هدایتگر که تصمیم‌گیری‌ها را به‌طور متمرکز و هماهنگ انجام دهند، اهمیت زیادی دارد. این ویژگی به ایجاد یک ساختار تصمیم‌گیری کارآمد اشاره دارد که سیاست‌های کلان را با سرعت و دقت اجرایی می‌کند. نهاد هدایتگر به‌عنوان کانون مرکزی هدایت سیاست‌ها و نظارت بر آن‌ها عمل می‌کند و کمک می‌کند تا سیاست خارجی در برابر تهدیدات و چالش‌های جهانی با انعطاف و کارایی بیشتری عمل کند.

پنجم، شناخت دقیق از خود و تعریف منافع ملی (۵ تکرار)

شناخت دقیق از منافع ملی در سیاست خارجی توسعه‌گرا موجب می‌شود که تصمیم‌گیرندگان بتوانند راهبردهای خارجی خود را به‌طور مؤثرتر تدوین کنند. این ویژگی از آن جهت اهمیت دارد که کشورها باید منافع خود را در یک چارچوب استراتژیک بلندمدت شناسایی و آن را با سیاست خارجی هماهنگ کنند. این منافع می‌تواند شامل توسعه اقتصادی، امنیت ملی، و افزایش قدرت سیاسی در عرصه جهانی باشد که به‌ویژه در مواقع چالش‌های بین‌المللی و تغییرات سریع در سیاست‌های جهانی از اهمیت بالایی برخوردار است.

در کنار آن، اما در مقایسه ویژگی‌های سیاست خارجی توسعه‌گرا در سه دسته‌بندی نظریات نیز

به جدول زیر می‌رسیم که بسیار حائز اهمیت است:

ویژگی‌ها و راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا	نظریات ترکیبی و مدل توسعه ملی	نظریات مرتبط با دیپلماسی اقتصادی	نظریات سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل
هماهنگی نهادی	بله	بله	بله
همکاری دولت و بخش خصوصی	بله	بله	بله
دیپلماسی اقتصادی فعال و بسیج منابع	بله	بله	خیر
همکاری‌های بین‌المللی و انتقال فناوری	بله	بله	خیر
تمرکز بر مذاکرات اقتصادی و تجاری	بله	بله	خیر
دیپلماسی عمومی	بله	بله	خیر
انعطاف‌پذیری و تمرکززدایی	بله	بله	خیر
دولت و سیاست خارجی قوی (ایجاد قدرت رابطه‌ای و ساختاری)	بله	خیر	بله
نهاد هدایتگر و تمرکز بر ساختارهای متمرکز تصمیم‌گیری	بله	خیر	بله
شناخت دقیق از خود و تعریف منافع ملی	بله	خیر	بله
حکمرانی مالی و خودکفایی اقتصادی	بله	خیر	خیر
رابطه پایدار و منفعت‌گرایی	بله	خیر	خیر
عمل‌گرایی در سیاست خارجی	بله	خیر	خیر
شایسته‌سالاری در دستگاه دیپلماسی و تربیت نیروهای متخصص	بله	خیر	خیر
امنیت‌زایی اقتصادی در محیط بی‌نظم جهانی	خیر	بله	خیر
استفاده از نفوذ سیاسی برای تجارت و سرمایه‌گذاری	خیر	بله	خیر
تضمین حقوق اکتشاف منابع و حفظ مالکیت ملی	خیر	بله	خیر
حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط	خیر	بله	خیر
اولویت همسایگان در سیاست خارجی	بله	خیر	خیر
فهم نظام جهانی جدید و خودمختاری نهفته	بله	خیر	خیر

جدول ۵- مقایسه راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا

Table 5- Comparison of Developmental Foreign Policy Strategies

Source: (Authors, 2024); (منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

در تحلیل و تفسیر مقایسه‌ای می‌توان بر نکات زیر تأکید کرد:

یکم، ویژگی‌های مشترک میان سه راهبرد:

هماهنگی نهادی و همکاری دولت و بخش خصوصی در تمامی راهبردها مورد تأکید قرار دارند که به وضوح نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی داخلی و تعامل دولت با بخش خصوصی در تحقق اهداف توسعه‌ای است. این هم‌راستایی در تمامی سه رویکرد، اهمیت سرمایه‌گذاری در هم‌افزایی میان بازیگران اقتصادی و نهادهای دولتی را تأکید می‌کند.

شناخت دقیق از خود و تعریف منافع ملی نیز در هر سه راهبرد وجود دارد که نشان‌دهنده لزوم شناخت هویت ملی و توسعه سیاست‌گذاری‌های خارجی متناسب با منافع ملی است.

نهاد هدایتگر و تمرکز بر ساختارهای متمرکز تصمیم‌گیری در دو راهبرد نظریات سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نظریات ترکیبی و مدل توسعه ملی برجسته است، که نشان‌دهنده توجه به نقش نهادهای قوی در ساختارهای سیاست‌گذاری است.

دوم، ویژگی‌های خاص به هر راهبرد

نظریات سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل بر دولت و سیاست خارجی قوی، دیپلماسی اقتصادی فعال، بسیج منابع، انعطاف‌پذیری و تمرکززدایی و امنیت‌زایی اقتصادی در محیط بی‌نظم جهانی تمرکز دارد. همچنین، این نظریات به تحلیل قدرت سیاسی و امنیت اقتصادی در سطح بین‌المللی می‌پردازند و به‌ویژه بر استفاده از ابزارهای دیپلماتیک برای تقویت موقعیت بین‌المللی کشور تأکید می‌کنند.

نظریات مرتبط با دیپلماسی اقتصادی بر دیپلماسی اقتصادی فعال، بسیج منابع، همکاری‌های بین‌المللی، انتقال فناوری، و تمرکز بر مذاکرات اقتصادی و تجاری تأکید دارند. همچنین، استفاده از نفوذ سیاسی برای جذب سرمایه‌گذاری و توسعه تجارت از ویژگی‌های برجسته این نظریات است که نشان‌دهنده تلاش برای تقویت تعاملات بین‌المللی و پیشبرد توسعه اقتصادی از طریق ابزارهای دیپلماتیک است.

نظریات ترکیبی و مدل توسعه ملی بیشتر به ویژگی‌هایی مانند حکمرانی مالی، خودکفایی اقتصادی، رابطه پایدار و منفعت‌گرایی، عمل‌گرایی در سیاست خارجی، شایسته‌سالاری در دستگاه دیپلماسی، و اولویت همسایگان در سیاست خارجی می‌پردازد. همچنین، فهم نظام جهانی جدید و تأکید بر خودمختاری نهفته از دیگر عناصر کلیدی آن هستند. این رویکرد به خودکفایی اقتصادی، توسعه مدل‌های نوین حکمرانی، و روابط پایدار اقتصادی و سیاسی توجه ویژه‌ای دارد.

سوم، تفسیر و مقایسه ویژگی‌ها

دیپلماسی اقتصادی به‌طور مشخص در نظریات مرتبط با دیپلماسی اقتصادی و نظریات ترکیبی و مدل توسعه ملی برجسته است. این نشان‌دهنده تحول و تغییر راهبرد از سیاست‌های صرفاً داخلی به سوی سیاست خارجی است که می‌تواند از طریق دیپلماسی اقتصادی و انتقال فناوری به توسعه اقتصادی کمک کند.

تمرکز بر مذاکرات اقتصادی و تجاری و دیپلماسی عمومی نیز بیشتر به نظریات مرتبط با دیپلماسی اقتصادی و نظریات ترکیبی و مدل توسعه ملی تعلق دارند که به تعاملات تجاری بین‌المللی

و تأثیرگذاری بر افکار عمومی اشاره دارند.

در نظریات سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل، بیشتر بر روی قدرت دولتی و سیاست خارجی قوی تأکید می‌شود. این راهبرد بیشتر به سیاست‌های کلان، امنیت اقتصادی و چالش‌های جهانی متمرکز است و نقش دولت در حفظ امنیت و قدرت سیاسی و اقتصادی در عرصه جهانی برجسته است.

چهارم، نکات کلیدی در تحلیل مقایسه‌ای

هر سه راهبرد بر هماهنگی نهادی و همکاری دولت و بخش خصوصی تأکید دارند، اما تفاوت اصلی در نحوه به‌کارگیری این ویژگی‌ها و ابعاد دیگر آن‌هاست. راهبردهای مرتبط با دیپلماسی اقتصادی و مدل‌های توسعه ملی بیشتر بر انتقال فناوری، تقویت روابط بین‌المللی، مذاکرات اقتصادی و تجاری و دیپلماسی عمومی متمرکز دارند. راهبردهای سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی عمدتاً بر قدرت سیاسی و سیاست‌گذاری‌های کلان متمرکز دارد و تأکید بیشتری بر نقش دولت در حفظ امنیت و منافع ملی دارد. راهبرد مدل توسعه ملی نیز به‌ویژه بر خودکفایی اقتصادی و اولویت همسایگان در سیاست خارجی تأکید دارد، که نشان‌دهنده توجه به روابط منطقه‌ای و حفظ منافع ملی است.

به‌طور کلی، وجود تنوع در ۲۰ راهبرد شناسایی شده در این سه دسته نشان می‌دهد که راهبردهای سیاست خارجی توسعه‌گرا باید بر اساس شرایط سیاسی، جغرافیایی، و فرهنگی هر کشور طراحی شوند. این تنوع نه تنها طبیعی بلکه برای دستیابی به توسعه مؤثر و پایدار ضروری است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی معیارهای راهبردی مشترک در سیاست خارجی توسعه‌گرا، به بررسی نظریات مرتبط پرداخت و نشان داد که این مفهوم فراتر از یک ابزار دیپلماتیک، رویکردی چندبعدی برای پیوند توسعه اقتصادی و سیاست خارجی است. تحلیل‌ها تأیید کردند که «هماهنگی نهادی» و «تعامل دولت با بخش خصوصی» فصل مشترک دیدگاه‌ها هستند و به دلیل نقش محوری در انسجام سیاست‌گذاری و تقویت هم‌افزایی اقتصادی، از اهمیت بالایی برخوردارند. علاوه بر این، «دیپلماسی اقتصادی فعال و بسیج منابع»، «نهاد هدایتگر و ساختارهای متمرکز تصمیم‌گیری» و «شناخت دقیق از خود و تعریف منافع ملی» با تکرار بالا، راهبردهایی کلیدی برای پیشبرد توسعه پایدار و افزایش نفوذ بین‌المللی‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که موفقیت سیاست خارجی توسعه‌گرا نه تنها به این معیارهای مشترک وابسته است، بلکه به انعطاف‌پذیری در تطبیق آن‌ها با شرایط بومی هر کشور نیز نیاز دارد. فراتر از این راهبردها، پژوهش بر جنبه‌های مغفول‌مانده‌ای مانند «حکمرانی مالی و خودکفایی اقتصادی»، «دیپلماسی عمومی» و «رابطه پایدار و منفعت‌گرا» تأکید کرد که در عصر جهانی‌شدن و چندقطبی‌شدن نظام بین‌الملل، نقش حیاتی در کاهش وابستگی خارجی و تقویت قدرت نرم دارند. این ویژگی‌ها، همراه با «اولویت همسایگان» و «فهم نظام جهانی جدید»، نشان‌دهنده ضرورت نگاه کل‌نگر به سیاست خارجی توسعه‌گراست که هم‌زمان امنیت، اقتصاد و

جایگاه جهانی را هدف قرار می‌دهد. برخلاف تصور رایج که سیاست خارجی توسعه‌گرا را صرفاً ابزاری اقتصادی می‌بیند، این مطالعه ثابت کرد که این رویکرد، ترکیبی از عمل‌گرایی و آرمان‌گرایی است که باید با خودمختاری نهادی و شایسته‌سالاری دیپلماتیک پشتیبانی شود. بنابراین، طراحی سیاست خارجی توسعه‌گرا نیازمند رویکردی ترکیبی است که ضمن بهره‌گیری از معیارهای مشترک، به تفاوت‌های ساختاری و ژئوپلیتیکی کشورها توجه کند. این چارچوب نه تنها به توسعه اقتصادی کمک می‌کند، بلکه با تقویت انسجام داخلی و اعتبار بین‌المللی، کشورها را به بازیگرانی مؤثر در نظام جهانی تبدیل می‌کند. پژوهش‌های آتی می‌توانند کاربرد عملی این راهبردها را در بسترهای منطقه‌ای و جهانی بررسی کنند.

منابع فارسی

۱. بالام، دیوید، وست، مایکل. (۱۳۹۷). *درآمدی بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل*. ترجمه احمد ساعی و عبدالمجید سیفی. تهران: نشر قومس، چاپ دوم.
۲. چانگ، ها-جون. (۱۳۹۲). *اقتصاد سیاسی سیاست صنعتی*. ترجمه اصیلان قودجانی. مشهد: نشر نوین طراحان آزاد.
۳. هالستی، کی. جی. (۱۳۹۴). *مبانی تحلیلی سیاست بین‌الملل*. ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ هشتم.
۴. هیوود، اندرو. (۱۳۹۶). *سیاست جهانی*. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: نشر قومس.
۵. ظریف، محمدجواد. (۱۴۰۳). *پایاب شکیبایی: برداشت‌هایی از هشت سال وزارت*. تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ چهارم.
۶. لفتویچ، آدریان. (۱۳۹۷). *فرمانروایی سیاست؛ مطالعات توسعه و کشف دوباره علوم اجتماعی*. برگرفته از: پین، آنتونی. *جستارهای بنیادی در باب اقتصاد سیاسی نوین*. ترجمه مریم ذوالفقار روشن. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
۷. موسوی‌نیا، سیدرضا. (۱۳۹۶). *روش پژوهش آسان در علوم انسانی*. تهران: نشر مخاطب.

English References

1. Bagchi, A. K. (2000). The Past and The Future of the Developmental State. *Journal of World-Systems Research*, 6(2), 398–442. <https://doi.org/10.5195/jwsr.2000.216>
2. Berridge, G. R. (2022). *Diplomacy: Theory and Practice*. 6th ed. Switzerland: Springer Nature.
3. Cheng, H., & Liu, W. (2021). Disciplinary geopolitics and the rise of international development studies in China. *Political Geography*, 89, 1-11. <https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2021.102452>
4. Contreras, J, M. (2020). Towards Development-Oriented Foreign Policy in Latin America: The Cases of Ecuador and Chile. *Bulletin of Latin American Research*, 40(1), 117–132. <https://doi.org/10.1111/blar.13110>

5. Dadabaev, T. (2020). Developmental state and foreign policy in post-karimov Uzbekistan. In *The Sage Handbook of Asian Foreign Policy*. *SAGE Publications Ltd*, 2, 893-915. <https://doi.org/10.4135/9781526436078>
6. Dal, E. P., Dipama, S., Çaytas, S., & Sezgin, A. (2021). Assessing the Development–Foreign Policy nexus of the Asian rising powers: South Korea, China, Japan and Indonesia. *Global Policy*, 12(5), 653–662. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.13008>
7. Dragan, Z. (2014). Economic diplomacy during the economic crisis. *International Journal of Diplomacy and Economy*, 2(3), 225-227. <https://doi.org/10.1504/ijdipe.2014.06480>
8. Dorigné-Thomson, C. (2022). The Attempted Extension of the Indonesian Developmental State towards Africa. *Langgas: Jurnal Studi Pembangunan*, 1(1), 38–50. <https://doi.org/10.32734/ljsp.v1i1.8620>
9. Evans PB. (December 2008), In Search of the 21st Century Developmental State, *Centre for Global Political Economy (CGPE)*, *University of Sussex*, Working Paper 4, 1-22. <https://www.sussex.ac.uk/research/centres/centre-for-global-political-economy/cgpe-working-papers/>
10. European University Institute & Chareonwongsak, K. (2021). The developmental state experience in Malaysia: lessons for Libya?. *European University Institute*, 1-25. <https://data.europa.eu/doi/10.2870/492149>
11. Furness, M., Lightfoot, S., Ghica, L.-A., & Szent-Ivanyi, B. (2020). EU development policy: evolving as an instrument of foreign policy and as an expression of solidarity. *EU International Development Cooperation Post-2020*, 16(2), 89–100. <https://doi.org/10.30950/jcer.v16i2.1156>
12. Georghiou, C. (2013). Professional diplomacy: a call for its reinforcement. *Africa Insight*, 42(4), 59–70. <https://www.africaneditors.org/journal/AFIN/full-text-pdf/64468-23241>
13. Heo, U, & Roehrig, T. (2014). Economic development, state power, and foreign policy. In: *South Korea's Rise: Economic Development, Power, and Foreign Relations*. Cambridge University Press: 10-27.
14. Karagouz, H. E. (2020). Developmental States in Sub-Saharan Africa: Reflections on State, Development, and Foreign Policy. *Istanbul Üniversitesi Sosyoloji Dergisi*, 40(2), 847-862.
15. Kutlay, M., & Karaoguz, H. E. (2023). *Development and foreign policy in Turkey: Rethinking Interconnectedness in a Multipolar World*. 1th ed. Switzerland: Springer Nature.

16. Landsberg, C. (2005). Toward a Developmental Foreign policy?: Challenges for South Africa's Diplomacy in the second decade of Liberation. *Social Research and International Quarterly*, 72(3), 723–756. <https://doi.org/10.1353/sor.2005.0041>
17. Landsberg, C., & Georghiou, C. (2015). The foreign policy and diplomatic attributes of a developmental state: South Africa as case study. *South African Journal of International Affairs*, 22(4), 479–495. <https://doi.org/10.1080/10220461.2015.1124805>
18. Spohr, A. P., & Da Silva, A. L. R. (2017). Foreign Policy's Role in Promoting Development: the Brazilian and Turkish Cases. *Contexto Internacional*, 39(1), 157–178. <https://doi.org/10.1590/s0102-8529.2017390100008>
19. Van Bergeijk, P. a. G., & Moons, S. (2009). Economic diplomacy and economic security. *Social Science Research Network*. https://papers.ssrn.com/sol3/Delivery.cfm/SSRN_ID1436584_code1193585.pdf?abstractid=1436584&mirid=1
20. Tonami, A. (2018). Exporting the developmental state: Japan's economic diplomacy in the Arctic. *Third World Quarterly*, 39(6), 1211–1225. <https://doi.org/10.1080/01436597.2017.1415142>

Translated References to English

1. Bagchi, A. K. (2000). The past and the future of the developmental state. *Journal of World-Systems Research*, 6(2), 398–442. <https://doi.org/10.5195/jwsr.2000.216>
2. Balaam, D, Veseth, M. (2018). *Introduction to International Political Economy*. Translated by Ahmad Saei and Abdolmajid Seifi. Tehran: Ghoomes, Second Edition. **(In Persian)**
3. Berridge, G. R. (2022). *Diplomacy: Theory and Practice*. 6th ed. Switzerland: Springer Nature.
4. Chang, H. J. (2013). *The Political Economy of Industrial Policy*. Translated by Aslan Ghochani. Mashhad: Tarrahan Azad, First Edition. **(In Persian)**
5. Cheng, H., & Liu, W. (2021). Disciplinary geopolitics and the rise of international development studies in China. *Political Geography*, 89, 1-11. <https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2021.102452>
6. Contreras, J, M. (2020). Towards Development-Oriented Foreign Policy in Latin America: The Cases of Ecuador and Chile. *Bulletin of Latin American Research*, 40(1), 117–132. <https://doi.org/10.1111/blr.13110>
7. Dadabaev, T. (2020). Developmental state and foreign policy in post-karimov Uzbekistan. In *The Sage Handbook of Asian Foreign Policy*. SAGE Publications Ltd, 2,

- 893-915. <https://doi.org/10.4135/9781526436078>
8. Dal, E. P., Dipama, S., Çaytas, S., & Sezgin, A. (2021). Assessing the Development–Foreign Policy nexus of the Asian rising powers: South Korea, China, Japan and Indonesia. *Global Policy*, 12(5), 653–662. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.13008>
 9. Dragan, Z. (2014). Economic diplomacy during the economic crisis. *International Journal of Diplomacy and Economy*, 2(3), 225-227. <https://doi.org/10.1504/ijdi.2014.06480>
 10. Dorigné-Thomson, C. (2022). The Attempted Extension of the Indonesian Developmental State towards Africa. *Langgas: Jurnal Studi Pembangunan*, 1(1), 38–50. <https://doi.org/10.32734/ljsp.v1i1.8620>
 11. Evans PB. (2008), In Search of the 21st Century Developmental State, *Centre for Global Political Economy (CGPE)*, University of Sussex, December, Working Paper 4, 1-22. <https://www.sussex.ac.uk/research/centres/centre-for-global-political-economy/cgpe-working-papers/>
 12. European University Institute & Chareonwongsak, K. (2021). The developmental state experience in Malaysia: lessons for Libya?. *European University Institute*, 1-25. <https://data.europa.eu/doi/10.2870/492149>
 13. Furness, M., Lightfoot, S., Ghica, L.-A., & Szent-Ivanyi, B. (2020). EU development policy: evolving as an instrument of foreign policy and as an expression of solidarity. *EU International Development Cooperation Post-2020*, 16(2), 89–100. <https://doi.org/10.30950/jcer.v16i2.1156>
 14. Georghiou, C. (2013). Professional diplomacy: a call for its reinforcement. *Africa Insight*, 42(4), 59–70. <https://www.africaneditors.org/journal/AFIN/full-text-pdf/64468-23241>
 15. Heo, U, & Roehrig, T. (2014). Economic development, state power, and foreign policy. In: *South Korea's Rise: Economic Development, Power, and Foreign Relations*. Cambridge University Press: 10-27.
 16. Heywood, A. (2017). *Global Politics*. Translated by Abd Al-Rahman Alem. Tehran: Ghoomes, First Edition. **(In Persian)**
 17. Holsti, K. J. (2016). *International Politics: A Framework for Analysis*. Translated by Bahram Mostaghimi And Masood Taromsari. Tehran: The Institute for Political and International Studies, Eighth edition. **(In Persian)**
 18. Karagouz, H. E. (2020). Developmental States in Sub-Saharan Africa: Reflections on State, Development, and Foreign Policy. *Istanbul Üniversitesi Sosyoloji Dergisi*, 40(2),

847-862.

19. Kutlay, M., & Karaoguz, H. E. (2023). *Development and foreign policy in Turkey: Rethinking Interconnectedness in a Multipolar World*. 1th ed. Switzerland: Springer Nature.
20. Landsberg, C. (2005). Toward a Developmental Foreign Policy?: Challenges for South Africa's Diplomacy in the second decade of Liberation. *Social Research an International Quarterly*, 72(3), 723–756. <https://doi.org/10.1353/sor.2005.0041>
21. Landsberg, C., & Georgiou, C. (2015). The foreign policy and diplomatic attributes of a developmental state: South Africa as case study. *South African Journal of International Affairs*, 22(4), 479–495. <https://doi.org/10.1080/10220461.2015.1124805>
22. Leftvich, A. (2018). The rule of politics: Development studies and the rediscovery of social sciences. In Payne, A. *Key Debates in New Political Economy* (pp. 281-330). Tehran: Donya-e Eghtesad. **(In Persian)**
23. Mousavinia, S. (2017). *Easy Research Method in Humanities*. Tehran: Mokhtab, First Edition. **(In Persian)**
24. Spohr, A. P., & Da Silva, A. L. R. (2017). Foreign Policy's Role in Promoting Development: The Brazilian and Turkish Cases. *Contexto Internacional*, 39(1), 157–178. <https://doi.org/10.1590/s0102-8529.2017390100008>
25. Van Bergeijk, P. a. G., & Moons, S. (2009). Economic diplomacy and economic security. *Social Science Research Network*. https://papers.ssrn.com/sol3/Delivery.cfm/SSRN_ID1436584_code1193585.pdf?abstractid=1436584&mirid=1
26. Tonami, A. (2018). Exporting the developmental state: Japan's economic diplomacy in the Arctic. *Third World Quarterly*, 39(6), 1211–1225. <https://doi.org/10.1080/01436597.2017.1415142>
27. Zarif, M. J. (2023). *Audacity of Resilience*. Tehran: Ettela'at, Forth Edition. **(In Persian)**

